

# نجمت

۱۳۲۹ ۲



## شکایات و اخبار

شماره شانزدهم ماه صفر لظفر

### فهرست مندرجات

- ۱ طرح مبارک از برای منشی کنگره ششمین الملی آزادیخواهان ادیان در پاریس
- ۲ نطق مبارک حضرت عبدالقادر در سلسله "برهان بر وجود الوهیت" در پاریس
- ۳ عرضیه پروفیسر چین از آکسفورد انگلستان
- ۴ تنازع بقا و سرحدات بقم آقا میرزا عنایت الله سهراب

Address: *Najme Bakhtar*, P. O. Box 283, Chicago, Ill., U.S.A.

# مَجَلَّةُ الْبَحْثِ

۱۳۲۹

PAGE I.  
VOL. IV.  
No. 16.

سنة دوازده قران  
ماه شرف سنة

صفحه اول  
جلد چهارم  
شماره شانزدهم  
قیمت اشتراك  
دسمبر ۳۱

این مجریه بر حسب تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آزادی در مسائل بگانه بش و وحدت ادیان و انتشار علوم و فنون این قرن و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهاء الله در اطراف جهان و توضیح حقائق این دین عمومی خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق سبب ادراست قبول و نشر خواهد

## لَوْحٌ مَّسَاكٍ

پاریس  
منشی کنگره ششم بین المللی آزادی  
خواهان ادیان که از ۱۶ ماه جولای الی ۲۲ سنة ۱۹۱۳  
در پاریس منعقد گردید .

### هو الله

دوست عزیزم: نامه شمار رسید و من سبب ورود عدلان گردید زیرا دلالت می کرد که جمعی از خیر خواهان عالم انسانی همت گماشته اند که کنگره ادیان تشکیل نمایند تا سبب الفت بین ادیان شوند و حقیقت دین و اساس ادیان الهی آشکار گردد و سوا قاهم نماند این مقصد جلیلی است زیرا خدمت بعالم انسانی است و انسانیت رحمانیه است امیدوارم که آن انجمن موفق بر تألیف قلوب اهل عالم گردد و سبب صلح بین ادیان شود تا بیگانگی در عالم انسانی نماند جمیع ادیان بعالم بیگانگی یعنی وحدت عالم انسانی در آیند و بسیار آرزو داشتم که در این کنگره بین المللی حاضر گردم ولی افسوس که در مصمم وضع بنیه و استیلاء ارض مانع از حضور است لهذا بکمال نخلت عنذر از حضور می نامم و چند سطر در این خصوص می نگارم .  
عقلآریش که معتقد حقیقت اند و نزدیکان

واقع و مسلم است که مقصد از ظهور و مظاهر مقدسه الهیه و انزال کتب و تاسیس دین الهی الفت بین است و محبت بین عموم افراد انسانی دین اساس وحدت روحانیه است وحدت افکار است وحدت حسابات است وحدت آداب است و روابط مغزیه بین عموم افراد تا عقول و نفوس بتربیت الهی نشو و نما نمایند و محرف حقیقت کنند و مقامات عالیه کالان انشا رسند و مدنیت الهیه تاسیس گردد زیرا در عالم وجود دو مدنیت است یکی مدنیت طبیعی مادی که خدمت بعالم اجسام نماید و دیگری مدنیت الهی که خدمت بعالم اخلاق می نماید مؤسس مدنیت مادی عقلآء بشرند و مؤسس مدنیت الهیه مظاهر مقدسه الهی دین اساس مدنیت الهیه است مدنیت مادی بمنزله جسم است و مدنیت الهیه بمنزله روح جنم بی روح مرده است و لو در نهایت طراوت و لطافت باشد .  
تا بعد مقصد از دین روابط ضروریه وحدت عالم انسانی است و این است اساس دین الهی این است فیض ابدی الهی این است تعالیم و توامیس الهی این است نور حیات ابدی هزار افسوس که این است این متروک و محجوب جمیع ادیان ولی تعالیمی ایجاد کرده اند

که هیچ ربطی با اساس دین الهی ندارد و چون این تقالید مختلف است از اختلاف جدال حاصل و جدال منتهی بقتال گردد خون بیچاره گانی ریخته شود اموال بتالان و تاراج رود و احقاف بی کس و اسیر مانند دین که باید سبب الفت باشد مورد کلفت شود دین که باید شهید فانی باشد زهر قاتل گردد دین که باید سبب نورانیت عالم انسانی باشد سبب ظلمات شده است دین که سبب حیات ابدی است سبب ممات گشته پس تا این تقالید در دست است و این دلم تر و درد شست از دین جز مضرت بعالم انسانی حصول پذیرد پس باید این تقالید کهنه پرید را که معمول به ادیان است بتماماً ریخت و توحی اساس ادیان الهی کرد و چون اساس ادیان الهی یکی است حقیقت است و حقیقت تعدد و تجزیه قبول نماید لهذا الفت و اتحاد نام بر جمیع ادیان حاصل شود دین الهی در نهایت کمال و مجال در همین عالم انسانی جلوه نماید .

بنا بد شرق و غرب روشن شود جنوب و شمال دست در آغوش یکدیگر گردد جمیع ادیان حقیقت جو شود و حقیقت گو گردد و یک تأسیسات ابدیه در عالم انسانی گذاشته شود و بیان وحدت عالم انسانی روز بروز ارتقا یابد این است آرزو عیان آواره و از خدا از برای شما آید و توفیق طلبم تا سرفق با مری گردید که از بدایت عالم در نظر متمتع و مستحیل بود و کفن در این قرن نورانی در نهایت کمال و مجال تحقق یافت و علیکم التحية و التناز  
عبد الجبار عباس

پس این کنگره محترم باید این پرده های تقالیدی را ببرد این زوایا را از میان بردارد این ابرهای تاریک را متلاشی کند تا شمس حقیقت در نهایت درخشندگی از افق ابدی جلوه نماید الحمد لله این قرن قرن علم است این قرن قرن حقیقت است عقول ترقی یافته افکار توسعه جسته ادراکات شدید گشته انسانها بسیار دقیق شده اکتشافات عالم را فرا گرفته استعداد عظیم بجهت جلوه وحدت عالم انسانی حاصل شده اگر این کنگره محترم چنانکه باید و شاید بتزویج مقاصد خیریه پردازد و این تقالیدی که در دست ادیان است و مخالف اساس الهی زائل نماید جهان جهان دیگر گردد عالم ناسوتی جهان مکتوبی شود عالم انسانی جلوه گاه حقیقت گردد و نور آفتاب جهان بالا در او

## برهان بر وجود الوهیت

نطق مبارک حضرت عبد الجبار در رساله "برهان وجود الوهیت" در پاریس روز ۹ فوریه ۱۹۱۳

هو الله  
امروز شخصی از وجود الوهیت سؤال کرد که چه بهان بر وجود الوهیت دارید چه که ناس بر دو قسمند قسمی معترف بالوهیتند و قسمی منکر لهذا امروز بدلیلی از دلائل عقلیه بجز اهم اثبات وجود الوهیت نمانم زیرا دلائل نقلیه را میدانید و نزد کل معلوم است .  
در جمیع کائنات موجوده چون نظری کنیم می بینیم هر کائنی از کائنات از ترکیب عناصر منفرده پیداشده مثلا عناصر اجزاء فردیه ترکیب شده و از آن انسان پیداکشته عناصر بسیطه ترکیب شده و از آن این گل پیداکردیده اجزاء فردیه ترکیب گشته و این سنگ پیداشده خلاصه جمیع کائنات وجودشان از ترکیب است و چون این ترکیب تحلیل شود آن موت و انعدام است

اما عناصر بسیطه باقی و برقرار ولی ترکیب متبلیه شیئی می شود  
 پس معلوم و مسلم شد ترکیب عناصر بسیطه سبب  
 حیات است و تحلیل آن انعدام و محات ولی از عناصر  
 اصلیه باقی و برقرار چرا که بسیط است و شیئی بسیطه  
 نمی شود اما ترکیب تحلیل می شود یعنی وجود کائنات  
 از ترکیب است و انعدام از تحلیل و این مسئله ثابت  
 نه اعتقادی فرق است بین مسائل اعتقادی و فنیه  
 اعتقادی و سمرجات تقلیدی است اما مسائل عقلیه  
 مؤید بر این قاطعه لهذا قنای ثابت است که وجود  
 کائنات عبارت از ترکیب است و قنای عبارت از تحلیل  
 مادیون گویند مادام وجود کائنات از ترکیب است  
 و انعدام از تحلیل و بگرچه احتیاجی بخالق حق قدیر  
 چه که کائنات تا تنهای بصرف نامتاهی ترکیب می شود  
 و از هر ترکیب کائی موجود گردد .

و وجود اشیاء با اراده ی قدر است .  
 این یکی از دلائل است و چون این مسئله بسیار  
 مهم است باید در آن فکر کنید و در میان  
 خود مذاکره نماید زیرا هر چه بیشتر فکر کنید  
 بیشتر مطلع بر تفصیل می شوید حمد کند خداوند  
 که قوه ی بشما عنایت فرموده که می توانید اینگونه  
 مسائل را درک کنید . . .

### عَرِضَةٌ

عریضه پرفسور چین از اسکندریه  
 که به حضور مبارک حضرت عبدالبهاء تقدیم نموده

مورخه ۲۳ اکتبر ۱۹۱۳

الله ابھی

ووست محبوب و هادی من  
 خواهم کرد وقتی که در خانه عزیز قدیم ما شما را دیدم  
 نوازش و آغوش گرفتید همیشه در نظر بوده  
 و قدرت قوت قوه حافظه است و یکی معتقدیم  
 آنم که این معنی بر مشیت الهی بود لازم نبود  
 برای من که معتقد بر این امر بین مردم زیرا حقائق را  
 که شما تعلیم و شرح می دهید بر حسب آنها زندگی نموده  
 آنچه که من می خواستم و شما عنایت نمودید حیات شکر  
 بود [مثل حیات خودتان] که جمیع اعمال را  
 فدای حقیقت نموده است و در خدمت محبت بر نوع  
 انسان بیکر شد مانند حیات خارق العاده حضرت  
 بهاء الله محبت سر عالم است و من سعی می کنم که در  
 این حیات محبت زندگی نمایم و شما را دعا تا بیدار شوید  
 هم چنین شما را تشکر می کنم بجهت اینکه جناب آقای  
 علی اکبر را ملاقات نمودم زیرا بسیار بود قوی حقیقت  
 مرا کمک نمودند بی نهایت مرا تأیید نموده اند و چه  
 شخصاً و چه عملاً تشکرات صمیمانه خود را نسبت

اما بهترین جواب دهند که ترکیب بر سه قسم  
 است یا ترکیب تصادفی است یا ترکیب الزامی  
 یا ترکیب ارادی چهارم ندارد زیرا ترکیب حصر  
 در این سه قسم است اگر بگوییم این ترکیب تصادفی  
 است واضح البطلان است چه که معلول بی علت  
 نمی شود لابد معلول علت دارد و این تصادف واضح  
 البطلان است و هر کس این را ادراک می نماید  
 ترکیب فانی الزامی است یعنی این ترکیب مقتضای  
 ذاتی هر کائی و لزوم ذاتی این عناصر است مثلاً  
 حرارت لزوم ذاتی آتش است و رطوبت لزوم  
 ذاتی آب پس اگر این ترکیب لزوم ذاتی باشد دیگر  
 انفکاک ندارد چنانچه ممکن نیست حرارت از آتش  
 و رطوبت از آب انفکاک یابد مادام این ترکیب لزوم  
 ذاتی است این انفکاک ممکن نیست پس این هم نیست  
 چه اگر این ترکیب کائنات لزوم ذاتی بود دیگر  
 تحلیل نداشت لهذا الزامی هم نیست باقی چه  
 ماند ترکیب ارادی یعنی این ترکیب کائنات

ایشان ظاهر نموده و خواهم نمود .

هم چنین خطی صورت سرور است که حشمت الله نزدیک  
من است .

صحت من نمی گذارم که با مردم زیاد معاشرت کنم ولی گاه گاهی  
چند نفر از دوستان را ملاقات می کنم . من گمان می کنم

که اینجنانها دار الفنون بنوی که باید و شاید هنوز حاضر نشده  
که بیا امر به آفرین قبوله کنند . ولی کی منتظر بود که نفسی

سنت پرلس گردد . من خطی تعالیم سنت پرلس را برای  
مسائل روحانیت دوست می دارم او هم خای در گوشه

داشت و لکن صدای سینه که می گوید قوت من در ضعف  
کامل می شود . من میدانم که در قوت در روزی شما ابتدا

قدری حاصل نمی شود و کن در این ایام جسده خود را بی حد  
بکار باز داشته اید .

در نهایت دل سوزی دعا می کنم برای ستر شورتون چیتر نازل  
شده بودید خواندم و گاه گاهی کتاب الواح مبارک را بخوانم

و الحقیقه شما با عالم را بدیشی برید امید دارم همان نوع که  
شما سبب قاید و توفیق دیگران می شوید خداوند شما را تا بید

نماید با نهایت محبت در امر بهاء الله که در آن عیال من شریک  
است (ای روحانی

پروسیه چین

## تنازع بقا و امزیه های

بقلم جناب آقا میرزا غنایت الله سرور اب علیه السلام

عوامل طبیعی را کنکش و تنازعه استمراری در میان است  
ارکان قویه علی الأبطال هدم و الضمالات ارکان ضعیفه رای

ظلمد کرات عظیمه کرات ضعیفه را جذب و قوه آنان را در بقا  
توای خود استهلاک می دارند اجرام جسمیه و اجسام عظیمه

ذرات و قطرات ضعیفه را تابع و مطیع قانون خود نموده تصرف  
ضعیفه صنایع را می برند نباتات و اشجار قوی هیکل تنومند

و ست تسلط و اقتدار در از کرده و قدر رسا علم نموده

نباتات ضعیفه را در زیر از تحت اعتدیه محرم و در بالا  
از اکتساب انوار مضیه آفتاب عالم تاب ممنوع می دارد حیوانا

بزرگ و سیاه شرک پیچیده قوی نموده و استین با کلا  
زده خوراک خود را از گوشت حیوانات کوچک قرار

داده اند عقاب و شاهباز چنگال خود را از خون کبوتر  
و گنجشک همیشه رنگین و خونین دارند شیر خطیر

خرگوش بی هوش را و پیچیده خود نرم کرده و نهنگ از زخم  
خود را از بلع سمک ضعیفه تعین نموده این دسته اوقا

آن دسته ضعیف را هلاک نموده از میان می برند و این  
زورمندانه آن زیر دستان را فانی و خود را باقی می نهند

این میدان جنگ را طبیعتون قیازع بقا نام نهاده اند  
یعنی ارکان قویه برای بقای خود از قوی زیر دستان

ناگزیر هستند و در این میانه قویان بقا با اسم قوی  
صاهر **وَالْحَكْمُ لِلَّذِينَ غَلَبَ صَوْرَتُ مَكِيدٍ**

چون اسباب بعثت در ناحیه از برای یک دسته از  
مغان و با طیرد خوش الحان تنگی رحمت پیدا کند قویا

تجلیل گشایش روزی از آن ناحیه حرکت و بجای که دست  
قدرت الهی سور طیور را فراهم کرده نقل مکان نمایند

ولی این محل جدید خلوت بی مدعی و سفره بی انتظار نیست  
ظهور دیگر از جنس دیگر بومی این آب و خاک بوده

و با غن جید در آن تصرفات مالکانه می نموده اند و این  
محصول و مدخول ان ابقای حیث می گویند چگونه

توانند دید که دست اجانب ملک مودت را بدون  
و لیل ضبط و تصرف نماید قویا اعلان جنگ دهند

و آنست رزم آغاز کنند در این میدان نیز  
فرمان مالکیت با اسم قوی و انسب صادر شود و این

را بقا و النسب گویند این کشمکش را از صفت  
طبیعیه و انکال از آن را ممنوع و محال دانند این جا

یک نکته باقی است که ذکر شود طبیعتون نوع  
انسان را نیز تابع و مطیع این قانون عمومی شمرده

و میدانند طبقات بشر هر کدام قوی و زورمند هستند

بنا بر قاعده تنازع بقا اقوام و طبقات ضعیفه را در مقابل  
 قوا و سیاست خود مقهور و مغلوب بکند اغلب مردم میکنند  
 و تاریخ نیت مگر شرح وقایع تنازع بقا مابین اقوام بشری  
 فلان مملکت ترقی کرد سایر اقوام و ملل را اسیر و عید خود  
 نمود و نای ملیون هارا وسیله بقای خود شمرد  
 در سینه صد و چهل نه ای صد و چهل و شش قبل  
 از میلاد ماکس کاتو که یکی از سرداران روم ایتالیا  
 بود در موقع سفارتش به کار تاج که فعلاً امش از  
 صحنه جغرافیا پاک و معدوم شده چون مشاهده ترقی  
 مادی و مدنی کار تاج را نمود عرق عصیت و حجت  
 حیوانیت آن بی حجت بچوش آمد و فراهم نمودن آب  
 خراب آن مملکت و معدوم نمودن نام قوت و رختن  
 خون ملیونها را بر خورد و فزیه وطن پرستی خود  
 حتم و لازم دانست و چون به روم مراجعت نمود  
 داخل دارالشورای روم شده جمعیت را بصدای  
 بلند مخاطب ساخت و گفت " اگر روم دوام و  
 بقای ظمید کار تاج باید خراب شود " رعایت پس  
 از چندین محاربات سخت و چند ماه محاصره کار تاج  
 را خراب کردند و کوررها نفوس کانی لم یکن  
 شیاً مذکوراً اسم هستی و استقلال شان از صحنه  
 روزگار پاک شد این عبارت " کار تاج باید خراب شود "  
 سرشتی سیاست اروپا و دلیل قاطع طبیعتی در اثبات  
 فلسفه تنازع بقا گردید .  
 و اما نسبت امریهائی به تنازع بقا چیست  
 حضرت بهار الله جل جلاله و شأنه می فرماید :  
 " نزاع و جدال شان انسان نبوده و نخواهد بود "  
 حضرت عبد البهار ارواحه الفدای فرماید :  
 " تنازع بقا از خصائص حیوانات وحشی است "  
 پس مسلم است که امریهائی تنازع بقا در مورد انسان  
 تصویب و تصدیق نمی نماید بلکه در آیات کثیر این

نزاعها و مجادلات انسانی رافع و ردی کند و چند سئوال  
 را که ما ذیلای نمائیم آشکاری نماید که حکم و مصالح الهیه در  
 رد و جلوگیری از تنازع بقا چقدر نافع و مفید باحوال بشری است  
 و مخالفت بآن اوامر الهیه پایه و اندامه مضرب نافع انسان است  
 اولاً ایاً اگر انسان در تحت قوانین موضوعه قطع نظر از جمیع  
 تعصبات جنسی و طینی و دینی نموده مستی تواند در همه جای عالم  
 خود را متناسب ساخته تحصیل معاش و ضروریات  
 حیوانیه نماید یا خیر آیا ملیون ملیون از اهالی اروپا  
 به بر جدید امریکا مهاجرت نمودند از ثروت عالم کم شد  
 و یا بر استحکام و زیادتیست افزود آیا اگر هزار نفر از  
 بایران مهاجرت کنند دور زراعت و صنعت و تجارت  
 و تربیت خود را بر ایران بذکمت بکارند چه ضرری وارد خواهد  
 آمد اگر این دست های که در انحلال و فقر این نسل است  
 مهارت پیدا کرده در بقا و حیای آن جدیت و فعالیت بخرج دهند  
 چه خواهد شد آیا اگر این ثروت و مکتبی که در اعلام و محبت  
 ثروت و مکتب از میان می رود در تکثیر و تحصیل آن صرف شود  
 در دستهای بک قرون ثروت انسان زیاد تر شده یا  
 کمتر آیا اگر این نژادی که دست آستین برای رختن خون هزاران  
 بی گناهان با کالده کمرخت برای معاونت و معاونت ملیونها  
 بیچارگان برینند چه مضر قی حاصل شود آیا با همه این ترقی  
 افکار و عقول و قشآن نرسیده که از قیاسات موهومی  
 تنازع بقا که تعقید از حیوانات است انسان بیرون آید  
 آری آن وقتی خواهد بود که جمیع افکار و عقول اقتباس کمال از  
 عقل کلی الهی حضرت بهار الله نمایند تا اساسش عمومی  
 حصول یابد و انتظام نام صورت گیرد کما قال تبارک  
 و تعالی " ان الذین اوتوا بصائر من الله یرون حدود  
 الله السبب الأعظم لنظر العالم و حفظ الامم "  
 چاه است و راه و دیده بینا و آفتاب  
 تا آدمی نگاه کند پیش پای خویش